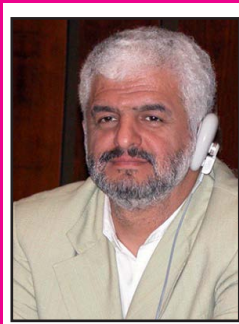




عادل جلیلی، رئیس مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران
پست الکترونیک: Jalili@rifr-ac.ir



مصطفی جعفری، سرمؤلف ارزیابی جهانی تغییر اقلیم (IPCC)، برنده مشترک جایزه صلح نوبل در سال ۲۰۰۷ میلادی، عضو هیئت علمی و مشاور تغییر اقلیم، مجری تدوین استراتژیک برنامه کلان تحقیقات تغییر اقلیم

پست الکترونیک: mostafajafari@rifr-ac.ir

آقایان، فرهنگ، هنر و ورزش هم اقتصاد است

در رویکرد توسعه پایدار، کاهش فاصله طبقاتی و ایجاد زمینه برای توزیع ثروت مدنظر بوده و اعتقاد بر این است که گستردگی مشارکت مردم در اقتصاد مؤثرترین مؤلفه در برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی است. بالا بردن ظرفیت‌های اقتصادی ملی و تنوع بخشی مؤلفه‌های اقتصادی بستر لازم را برای گسترش ظرفیت مشارکتی اقتصاد برای تمامی اقشار جامعه فراهم می‌کند. ضرورت تغییر بزرگ و شگرف در ظرفیت اقتصادی ایران در گرو فاصله گرفتن از ساختار و فرهنگ حاکم بر اقتصاد بازار و تجارت سنتی و قرون وسطایی ایران است. نیازها و ظرفیت‌های اقتصادی جوامع بشری امروز بسیار متنوع و پیچیده هستند. پدیده جهانی شدن، توسعه ارتباطات، افزایش میزان شهرنشینی، گسترش آموزش عالی و فزونی یافتن تعداد افراد تحصیل کرده، به طور مشخص نیاز مردم ایران را بالا برده است. شناسایی و فعال‌سازی این نیازها و ظرفیت‌ها، سرعت تنوع بخشی اقتصاد ایران را ارتقا می‌بخشد. یکی از این نیازها و ظرفیت‌ها موضوع فرهنگ، هنر و ورزش است که به صورت حرفه‌ای یا غیر حرفه‌ای، اقشار مختلف جامعه را درگیر خود کرده است. فرهنگ، هنر و ورزش نه تنها دارای ظرفیت بالا در هویت‌سازی و هویت بخشی هستند که در جای خود به آن پرداخته خواهد شد، نقش کلیدی در تنوع بخشی اقتصاد داشته و باعث ایجاد زمینه مشارکت همگانی در آن می‌شوند. در کشورهای توسعه یافته، فرهنگ، هنر و ورزش هم خود، صنعت هستند و فعالیت‌های آنها با شاخص‌های اقتصادی اندازه‌گیری و رصد می‌شود. همچنین اثرات آنها در اجتماع از نقطه نظر سلامتی، شادابی، سرگرمی و ایجاد انگیزه حائز اهمیت است. سینما، تئاتر، موسیقی، نقاشی و مجسمه‌سازی در کنار انواع و اقسام ورزش‌ها ظرفیت بالایی برای مشارکت در رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال دارند و نادیده گرفتن این ظرفیت‌ها جبران‌ناپذیر خواهد بود. نداشتن یک نگرش ملی، تک‌رویی‌ها، دخالت‌های غیرساختاری و وجود نگاه‌های متعصبانه و بسته عملاً کشور را در استفاده از این ظرفیت اقتصادی محروم کرده است. جولان دادن بحث‌های انحرافی نظیر جلوگیری از حضور زنان در ورزشگاه‌ها، ممانعت از برگزاری انواع کنسرت‌ها، نبود یک سیاست تعریف شده در نهادهای تصمیم‌گیر و سرگردانی رسانه ملی در این ارتباط یک شرایط پیچیده، پرابهام و پر از خط قرمزهای نانوخته را ایجاد کرده است. ظرفیت ملی و دینی این کشور آن قدر بالاست که بتواند در چارچوب یک گفت‌وگوی ملی راهکار مناسب را برای تک‌تک این موانع پیدا کرده و اجازه دهد اقشار مختلف جامعه با فعال‌سازی ظرفیت فردی و جمعی خود، زمینه مشارکت مطلوب را در اقتصاد پیدا کنند. باید این واقعیت را بپذیریم که با صرف سرمایه‌گذاری در بخش‌های کلاسیک اقتصاد یعنی صنعت و کشاورزی نمی‌توان رشد اقتصادی دورقمی را به دست آورد یا برای قشر انبوه تحصیل کرده شغل ایجاد کرد. لذا تنها راه‌حل، فعال‌سازی تمامی ابعاد اقتصاد است که فرهنگ، هنر و ورزش نیز یکی از این ابعاد به‌شمار می‌روند.

تغییر اقلیم و سلامت: نگاهی راهبردی بر نقشه راه

تغییر اقلیم به‌عنوان اولین چالش از ده چالش شناسایی شده در قرن بیست و یکم معرفی شده است. تغییرات اقلیمی اثراتی گسترده دارند و تمام بخش‌ها و اکوسیستم‌ها اعم از اکوسیستم‌های طبیعی یا محیط‌های انسانی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بخش سلامت نیز به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از این تغییرات اثر می‌پذیرد (Crúz et al., 2007. Asia Climate Change - IPCC). براساس گزارش دانشگاه NACCHO از هر ده مدیر بخش سلامت هشت نفر اذعان دارند که تغییر اقلیم، واقع شده یا در حال وقوع است. اثرگذاری تغییر اقلیم بر سلامت، بردار مجموعه‌ای از «عوامل» و «اقدامات» است که در یک نگاه راهبردی با تنظیم برنامه‌های کاهش (Mitigation) میزان اثرگذاری «عوامل» تا حدودی کنترل می‌شود. با تدوین برنامه‌های سازگاری (Adaptation) «اقدامات» با تمرکز بر مناطق و موضوعات آسیب‌پذیر، در جهت دستیابی به وضعیت مطلوب ما را هدایت می‌کند. وقتی با نگاه راهبردی برای تدوین «نقشه راه» قدم برمی‌داریم، ناگزیریم «وضعیت موجود» را شناسایی کرده و راه رسیدن به «وضعیت مطلوب» را در بازه زمانی معینی ترسیم کنیم. «عوامل اصلی» در شکل‌دهی وضعیت موجود به‌طور مثال می‌تواند «تغییرات دمایی» و «مخصوصاً افزایش دما باشد که «تنش‌های دمایی» را به ما تحمیل می‌کند. همچنین ممکن است تغییرات شامل کاهش بارندگی یا شدت بارش‌ها باشد که به دنبال آن «تنش‌های آبی» باعث بیماری‌های متعدد می‌شود و اطعام حاصل از سیل و خشکسالی به‌وقوع می‌پیوندد. در شناسایی وضعیت موجود و تدوین برنامه برای دستیابی به شرایط مطلوب، باید «ارزیابی سوات» (SWOT) را به‌کار گیریم و با تجزیه و تحلیل «قوت‌ها»، «ضعف‌ها»، «فرصت‌ها» و «تهدیدها» تصویر منطقی، علمی و واقعی از شرایط موجود و مطلوب ترسیم کنیم. براساس «نقشه راه» می‌دانیم کجا هستیم (وضعیت موجود) و به کجا می‌خواهیم برسیم (وضعیت مطلوب). در شناسایی وضعیت موجود ناگزیر باید بر «دانش علمی» انتشار یافته مخصوصاً نتایج تحقیقات پزشکی که در ارتباط با اثرات تغییر اقلیم و بیماری‌های متأثر از آن منتشر شده و «تجربیات» بالینی که از راه‌های متنوع و متفاوت حاصل می‌شود، تکیه کنیم تا بنای محکمی روی زیربنایی قابل اتکا برپا شود. در جهت ردیابی اثرگذاری عوامل تغییر کرده بر انسان و نیز آسیب‌پذیری بخش سلامت و بهداشت، مجموعه علوم می‌توانند نقش آفرینی کنند. به‌طور مثال دانش اکولوژی در شناسایی چگونگی تغییرات مکانیزم‌های زیستی نسبت به تغییرات عوامل به یاری می‌آید یا وقتی عکس‌العمل‌های گیاهان، جانوران و انسان را نسبت به تغییرات بررسی می‌کنیم، این عرصه اکوفیزیولوژی است که تنش‌های محیطی و مکانیزم‌های مقابله، پرهیز یا سازگاری را با شرایط جدید برای ما روشن می‌کند (Jafari, 2007). چرخه حیات گیاهان، جانوران و انسان چنان با عوامل محیطی در هم تنیده‌اند که بدون توجه به این زنجیره حیاتی و شناخت علمی و صحیح آن، صحت هیچ تصمیمی در راستای سلامت و بهداشت انسان‌ها نمی‌تواند تضمین شود. با یافته‌های مشترک از مجموعه علوم در موضوع تغییر اقلیم و سلامت، ضرورت دارد با تلفیق زمینه‌های کاربردی آنها اقدامات مدونی را در راستای کاهش اثرات و نیز سازگاری مناسب با شرایط ایجاد شده جدید ساماندهی کنیم. براساس گزارش خلاصه‌ای که توسط IPCC برای سیاست‌گذاران (SPM) تهیه شده و در پنجمین ارزیابی جهانی تغییر اقلیم در سال ۲۰۱۴ انتشار یافته است، مشاهدات تغییرات اقلیمی و موضوعاتی که بیانگر ریسک در مناطق مختلف جغرافیایی از جمله آسیا هستند، عبارتند از: سیستم‌های فیزیکی، سیستم‌های زیستی (بیولوژیک)، انسان و سیستم‌های مدیریت شده. بر مبنای سناریوهای موجود که میزان افزایش دما را ۱/۵ درجه سانتی‌گراد برای دوره ۲۰۳۰-۲۰۴۰ و ۲۰۳۰-۴ درجه سانتی‌گراد برای دوره ۲۰۸۰-۲۱۰۰ در نظر گرفته است، اگرچه میزان سازگاری در سناریوی ۴ درجه سانتی‌گراد برای بیماری‌های روانی محدود است، اما سازگاری برای فقر غذایی بسیار بالاست. این سازگاری در مورد تنش‌های حرارتی و عفونت‌هایی با منشأ غذا و آب هم تا حد قابل قبولی بالاست.



فاطمه سفیدکن، معاون پژوهشی مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی
پست الکترونیک: sefidkon@rifr-ac.ir

۵ گیاه دارویی راهبردی کشور و روش‌های توسعه آنها، بخش دوم قابلیت بالای اشتغال‌زایی با توسعه کشت و فراوری گل محمدی

کارخانجات اسانس‌گیری و گلاب‌گیری در کنار مناطق کشت گل محمدی در کشور است. ایجاد واحدهای صنعتی کوچک، ولی به تعداد زیاد، باعث می‌شود از حمل‌ونقل گل محمدی در مسیرهای طولانی که باعث افت شدید کمی و کیفی اسانس آن می‌شود جلوگیری به‌عمل آید.

نکته دوم استفاده از تجهیزات مناسب برای اسانس‌گیری است. اسانسی که پس از گرفتن گلاب از گل‌ها به‌دست می‌آید به‌دلیل حل شدن برخی ترکیبات معطر و مهم گل محمدی در گلاب، کیفیت موردنظر را ندارد، بنابراین با قیمتی بسیار کمتر خریداری می‌شود. به عبارت دیگر باید تولید گلاب و اسانس به‌صورت جداگانه انجام شود.

نکته سوم طراحی و ساخت یا حتی خرید تجهیزات مورد نیاز از خارج از کشور برای استحصال کانکریت و ابسولوت از گل محمدی است.



صادرات غنچه و گلبرگ‌های خشک شده گل محمدی که طرفداران بسیاری در برخی کشورها مثل ژاپن دارد، باید مورد توجه جدی قرار گیرد. نحوه خشک کردن و بسته‌بندی این محصولات نیز در بازارپسندی آنها نقش جدی دارد.

حجم زیاد گلاب عرضه شده به بازار، حساسیت گلاب به گرما، سرما، نور و آلودگی‌های میکروبی، مشکلات حمل‌ونقل و نگهداری گلاب در حجم‌های بالا، امکان‌پذیر بودن تقلب در تولید گلاب در حد زیاد و همچنین استفاده از ظروف پلاستیکی برای نگهداری گلاب، از جمله چالش‌های صنعت پرورش گل محمدی و گلاب‌گیری در ایران است. در صورت تغییر گرایش این صنعت به تولید محصولات دیگر از گل محمدی مثل اسانس، کانکریت و ابسولوت این مشکلات خودبه‌خود کمتر خواهد شد.

پس از زعفران مهم‌ترین گیاه دارویی ایران گل محمدی است. ایران در کنار ترکیه و بلغارستان، یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گل محمدی در جهان محسوب می‌شود. سطح زیر کشت وسیع گل محمدی در کشور (حدود ۱۸ هزار هکتار در سال ۱۳۹۵)، سابقه دیرینه گلاب‌گیری سنتی، تولید گلاب و اسانس در سطح صنعتی و از همه این‌ها مهم‌تر خواص دارویی و خوشبویی گل محمدی، مصرف وسیع گلاب و سایر فراورده‌های آن در بین مردم ایران و کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای همسایه، باعث اهمیت ویژه این گیاه در کشور شده است. اکنون امرار معاش شماری از مردم ایران در مناطق مختلف کشور به‌ویژه استان‌های فارس و اصفهان، از محل کشت و فراوری گل محمدی است. همچنین امکان توسعه کشت آن به‌ویژه به‌صورت دیم در مناطقی که بارندگی بین ۳۰۰ تا ۷۰۰ میلی‌متر در سال وجود دارد، ظرفیت خوبی را برای اشتغال‌زایی، ایجاد صنایع تبدیلی کوچک و بزرگ و تولید ثروت فراهم کرده است.

در سال ۱۳۹۵، بیش از ۸۵ درصد از سطح زیر کشت گل محمدی در استان‌های فارس، کرمان، اصفهان و آذربایجان شرقی بوده است. برنامه معاونت امور باغبانی در وزارت جهاد کشاورزی افزایش ۲۵ هزار هکتاری سطح زیر کشت گل محمدی به‌صورت دیم و ۲۳ هزار هکتار کشت آبی در طول پنج سال برنامه ششم توسعه است.

حال نکته اساسی این است که برای توسعه کشت این محصول استراتژیک در کشور، افزایش درآمد تولیدکنندگان آن، افزایش ورود این گیاه ارزشمند به بازارهای جهانی و افزایش سهم کشور از تجارت جهانی گل محمدی چه باید کرد؟ ابتدا لازم به ذکر است که مهم‌ترین و گران‌ترین محصولات قابل تهیه از گل محمدی، اسانس، کانکریت و ابسولوت هستند و گلاب در درجه بعدی اهمیت قرار دارد. کارخانجات و تجهیزات صنعتی در دو کشور ترکیه و بلغارستان برای تولید این محصولات فعالیت می‌کنند، درحالی‌که در ایران ابتدا گلاب و پس از آن اسانس (با کیفیت پایین‌تر از کشورهای رقیب) تهیه می‌شود و تولید کانکریت و ابسولوت در مقیاس صنعتی وجود ندارد.

برای توسعه کشت گل محمدی در کشور، افزایش ارزش افزوده، توسعه صادرات و افزایش سهم کشور از تجارت جهانی این محصول، اولین و مهم‌ترین اقدام، افزایش تعداد